

گونه‌شناسی مزارهای اسلامی در ایران، بر اساس مفاهیم قدسی تشبیه، تنزیه، جمال و جلال

مهدی حمزه‌نژاد*

صبا خراسانی مقدم**

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۶ تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۳۱

چکیده

در طول تاریخ، بناهای مذهبی به‌ویژه مزار امامان و بزرگان علم و عرفان، شکل‌های مختلفی به خود گرفته و به نظر می‌رسد تفاوت در نحوه تجلی صفات و مفاهیم، باعث ایجاد تفاوت‌های کالبدی در آن‌ها گشته است. حال باید دید که آیا این تفاوت‌ها دارای مبانی معنادار خاصی است و آیا بررسی چگونگی تفاوت‌ها می‌تواند در گونه‌شناسی مزارها مؤثر واقع شود؟ نگارندگان این تحقیق درصدد گونه‌شناسی مزارها، بر اساس تفاوت‌های معنایی و مفاهیم معرفتی مطرح‌شده در عرفان برآمده‌اند و این گونه‌ها را با استفاده از مفاهیم تشبیه، تنزیه و صفات جمال، جلال، در سه دسته مزارهای تشبیهی - جمالی، مزارهای تنزیهی - جلالی، و مزارهای تشبیهی - جمالی و تنزیهی - جلالی، مورد بررسی قرار داده و به بررسی ویژگی کالبدی مزارها، مرتبط با هر یک از این گونه‌ها پرداخته‌اند. در خلال پژوهش از طریق روش مقایسه تطبیقی، معیارهایی برای سه گونه در نظر گرفته شده است، به این ترتیب که گونه تشبیهی - جمالی دارای ویژگی‌های حداکثر رابطه با طبیعت تشبیهی، دلالتگری نشانه و نماد، اصالت مقبره در سامان‌دهی فضاهای مزار، قرارگیری مقبره در فضای درون، به‌کارگیری مصالح فاخر و پرتزئین و وجود سلسله‌مراتب فضایی در رسیدن به مزار است و بهترین نمونه در این گونه، مزار امامان شیعه می‌باشد که در دوره صفوی و قاجار به اوج خود رسیده است. گونه تنزیهی - جلالی دارای ویژگی‌های حداقل رابطه با طبیعت تشبیهی، دلالتگری آیه، عدم اصالت مقبره در سامان‌دهی فضاهای مزار، عدم قرارگیری مقبره در فضای درون، به‌کارگیری مصالح کم‌بها و کم‌تزئین و عدم وجود سلسله‌مراتب فضایی در رسیدن به مزار است. بیشترین نمونه‌های این گونه، در میان اهل سنت رایج است که دارای کمترین میزان به‌کارگیری عناصر کالبدی و مجلل‌اند. گونه تشبیهی - جمالی و تنزیهی - جلالی، دارای ویژگی‌های مشترک هر دو مزار است و در دوره‌های آل‌بویه و سبک خراسانی و رازی، رواج بیشتری داشته است.

کلید واژه‌ها

مزار، تشبیه، تنزیه، جمال، جلال، گونه‌شناسی.

مطالعات معمارانه ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲ - پاییز و زمستان ۹۱

۱۰۹

* استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
** دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، نویسنده مسئول / saba.khorasani.m@gmail.com

پرسش‌های پژوهشی

۱. چه تفاوت‌های معنایی و کالبدی در مزارها مشاهده می‌شود؟
۲. آیا تفاوت‌های موجود دارای مبانی معنادار خاصی است؟
۳. آیا با بررسی تفاوت‌ها می‌توان به گونه‌شناسی مشخصی از مزارها رسید؟

مقدمه

مزارها^۱ در ایران و برخی از سرزمین‌های اسلامی، پیشینه‌ای طولانی دارند. بقاع مذهبی، همواره کشش و جذابیت ویژه‌ای داشته و زیارتگاه‌ها و مزارها علاوه بر معنویت خاص خود، از لحاظ فنی و هنری نیز در زمره چشمگیرترین نمونه‌ها و جلوه‌های هنر معماری اسلامی قرار گرفته‌اند. این مزارها که شاخصه دین و مذهب‌اند، در سیر تاریخی خود، دچار دگرگونی‌ها و تحولاتی شده‌اند، به طوری که تجلی برخی صفات و مفاهیم در آن‌ها، شکل‌ها و نمودهای متفاوتی یافته و به صورت مستقیم کالبد مزارها را تحت تأثیر قرار داده است. این پژوهش سعی دارد تا مزارها را از نظر چگونگی تفاوت‌های کالبدی و معنایی در طول زمان و نحوه تجلی مفاهیم و صفات معرفتی، مورد بررسی قرار داده و به گونه‌هایی در این زمینه دست یابد. لازم به ذکر است مبانی این پژوهش بر اساس مفاهیم عرفانی تشبیه، تنزیه و صفات جمال و جلال صورت گرفته و به نظر می‌رسد با توجه به جایگاه مزار و نقش و نشانی که می‌تواند در جامعه اسلامی ایفا کند، جنبه‌های مختلف موجودیت آن در سطوح متفاوت معنایی، با استفاده از مفاهیم تشبیه، تنزیه و صفات جمال و جلال، قابل بررسی است. هدف از نگارش این مقاله، پاسخ به این سؤال است که تفاوت‌های موجود در چهارچوب صفات و مفاهیم مطرح‌شده به چه صورت است و این صفات و مفاهیم، چگونه و از طریق چه معیارهای معنایی و کالبدی در بنا ظهور می‌یابند؟ تشبیه، تنزیه، جمال و جلال، هر یک از طریق ویژگی‌های خاصی در بنا تجلی می‌شوند. در این پژوهش، سه معیار شناخته شده به عنوان مؤلفه‌های تشبیه و تنزیه در مزارها عبارت‌اند از:

۱. طبیعت‌گرایی ۲. به کارگیری نماد، نشانه و آیه ۳. مرکزگرایی، محورگرایی و کانونمندی فضا. همچنین معیارهایی که به عنوان مؤلفه‌های جمال و جلال در مزارها شناخته شده‌اند، عبارت‌اند از: ۱. نقش فضای درونی در پذیرش زائر ۲. استفاده از مصالح فاخر و پرتزئین ۳. سلسله‌مراتب فضایی و تنوع فضاها در نحوه رسیدن به مزار. بدین صورت در طول پژوهش با بررسی معیارهای مطرح‌شده، به سه گونه معرفتی مشخص از مزارها دست خواهیم یافت که عبارت‌اند از: ۱. مزارهای تشبیهی - جمالی ۲. مزارهای تنزیهی - جلالی، ۳. مزارهای تشبیهی - جمالی و تنزیهی - جلالی. این گونه‌ها که از نوآوری‌های پژوهش حاضر است، می‌تواند مورد استفاده دانشجویان و اساتید در بحث گونه‌شناسی مزارها قرار گیرد. در انتها، قسمت نتیجه‌گیری شامل جمع‌بندی ویژگی‌های سه گونه به دست آمده و مقایسه تطبیقی آن‌ها خواهد بود.

در تحقیق حاضر، جمع‌آوری اطلاعات و مستندات موجود در زمینه مزارها، از طریق مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی صورت گرفته است. نویسندگان این پژوهش، درصدد تبیین یک نظریه هنجاری^۲ در معماری قدسی^۳ مزارهای اسلامی هستند و قصد دارند مظاهر آن را در تاریخ معماری گذشته نشان دهند. ارائه مستندات، جنبه اثباتی ندارد و بیشتر تأییدکننده معیارهای مطرح‌شده است. به این ترتیب، بررسی معیارها با استفاده از روش مقایسه تطبیقی در مزارها صورت گرفته و از طریق روش استدلالی - تحلیلی، نتیجه‌هایی حاصل شده است. لازم به ذکر است نظریه هنجاری معماری مزار، سعی دارد از بعد تئوریک و بر اساس مبانی اسلامی، صحت خود را از طریق استدلال منطقی به اثبات برساند. این نظریه کمک می‌کند تا بتوان مهم‌ترین نمونه‌های الگوساز موجود در ایران را مورد بررسی قرار داد و به گونه‌شناسی معنایی از انواع مزارها دست یافت.

۱. پیشینه تحقیق

با وجود اینکه زمان زیادی از ظهور مزارها و نقش آفرینی آن‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین مکان‌های مذهبی مسلمانان می‌گذرد، همچنان برای معرفی و شناساندن آن‌ها، نیاز به مطالعه، تحقیق و بررسی‌های متعدد است. گرچه کتب، مقالات و تصاویر بی‌شماری از مزارها و آرامگاه‌های مقدس در طی سال‌های متمادی تهیه شده و در اختیار علاقه‌مندان و مشتاقان قرار گرفته است، علی‌رغم تلاش‌های به عمل آمده، هنوز نواقص و کم و کاستی‌هایی در راه معرفی آن‌ها وجود دارد که شاید با هر مطالعه و تحقیق، نکته‌ای از ابهامات و مجهولات باقی‌مانده برطرف شود. در حال حاضر، کتاب دانشنامه جامع بقاع و اماکن متبرکه به عنوان جامع‌ترین مکتوب در این زمینه، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در زمینه مزارات خراسان عصر تیموری، دکتر هیلن براند در مقابر (۱۳۶۷)، بلینتسکی در خراسان و ماوراءالنهر (۱۳۶۵)، خلیل‌الله خلیلی در آثار هرات (۱۳۸۳) و محمد بلخی در مزارات شهر بلخ (۱۳۴۵)، تحقیقات گسترده‌ای را نوشته‌اند که شامل خراسان ایران و افغانستان کنونی است.^۴ در بخش مزارات و زیارتگاه‌های ماوراءالنهر، درباره کارکرد این اماکن مقدس در سمرقند و بخارا واقع در کشور ازبکستان کنونی، ملازاده در تاریخ مزارات بخارا (۱۹۶۰)، ویل دورانت در تاریخ تمدن (۲۰۰۳) و گروهی از پژوهشگران دانشگاه کمبریج در تاریخ ایران دوره تیموریان (۲۰۰۰)، مطالب میسوطی را گردآوری کرده‌اند.^۵ در زمینه تحلیل بر اساس معیارهای مفهومی، مهم‌ترین مطالعه پیشین را می‌توان پژوهش‌های حکمت‌الله ملاصالحی^۶ دانست. وی با رویکرد باستان‌شناسی معناگرا، در چند مقاله و کتاب تلاش کرده دو گونه هنر جمالی و جلالی را به نمونه‌هایی از مصادیق آن تشریح کند. از مهم‌ترین آثار وی در این زمینه می‌توان به مقاله «صور جلالی در معماری اسلامی ایران» و «مقوله جمال و جلال در هنرهای تجسمی ۱ و ۲» اشاره کرد.

۲. مبانی و معیارهای پژوهش^۷

۲-۱. مفهوم تشبیه، تنزیه و نحوه تجلی آن‌ها در مزارها

تشبیه و تنزیه از مفاهیم مهم عرفانی‌اند که تجلی آن‌ها در مزارها به طرق گوناگون صورت می‌گیرد. ابن عربی در کتاب فتوحات مکیه درمورد تشبیه و تنزیه آورده است: «حق سبحانه و تعالی را در مشاهده بندگان دو نسبت است: نسبت تنزیه و نسبت تنزل و فرود آمدن به خیال - به نوعی از تشبیه - نسبت تنزیه عبارت از تجلیش است در «لیس کمثله شیء»؛ او را همانندی نیست. (شوری: ۱۱) و نسبت دیگر - تشبیه - تجلی‌اش در بیان رسول خداست که فرمود: او را چنان پرستش کن که گویی مشاهده‌اش می‌کنی». (ابن عربی ۱۳۸۴، ۷/۲۳)

«تشبیه در لغت، دلالت بر مشارکت امری با دیگری در معنی است». (جرجانی ۱۳۷۷، ۵۲) در جای دیگر آمده است که تشبیه «یکسان و همانند دانستن مخلوق با خالق، و نسبت دادن صفات بشری به خداست و آنان که این اندیشه را پذیرفته‌اند، به مشبهه شهرت یافته‌اند». (اردستانی ۱۳۸۸، ۱۳) در واقع، اگر تصور ما از ذات صفات و افعال خداوند همچون انسان باشد و به قول ابن عربی به مرتبه خیال نزول کرده باشیم، معتقد به تشبیه شده‌ایم. بغدادی در کتاب الفرق بین الفرق تشبیه را به دو صورت معرفی می‌کند: در گونه اول ذات باری تعالی را به ذات غیر وی تشبیه می‌کنند و در گونه دوم، صفات او را به صفات غیر او مانند می‌سازند. این گروه به آیات و احادیثی استناد می‌کنند که به عقیده ایشان می‌توان جسم بودن خداوند را در آن‌ها دید مانند: «خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَةِ الرَّحْمَنِ» (مولوی ۱۳۸۴، ۲۴۱) و یا: «قَلْبَ الْمُؤْمِنِ بَيْنَ أَصْبَعَيْنِ مِنَ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ». (شهرستانی ۱۳۸۱، ۱۱۸)

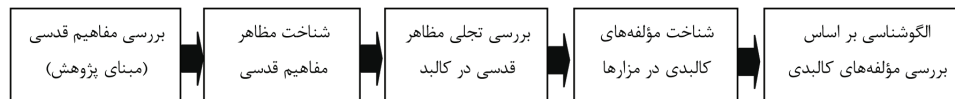
«در مقابل اهل تشبیه اهل تنزیه قرار گرفته‌اند که آنان را معطله نیز گویند». (اشعری ۱۳۸۱، ۳۳) «التنزیه: عبارة عن تبعید الرب عن اوصاف البشر: تنزیه عبارت است از دور نگه داشتن پروردگار از اوصاف انسانی». (جرجانی ۱۳۷۷، ۶۰) دور نگه داشتن خداوند از اوصاف بشری به نفی رؤیت الهی می‌رسد و در نتیجه به نفی تشبیه از او به هر وجهی. «این گروه، صفات الهی را عین ذات خداوند می‌دانند و معتقدند که جدا ساختن صفات از ذات خداوند، افتادن به دام نوعی ثنویت است». (اردستانی ۱۳۸۸، ۱۶) «همانا باری تعالی، عالم به علم است و علم وی ذاتی است، قادر به قدرتش است و قدرت او ذاتی اوست، زنده است به حیات و حیات وی، ذاتی اوست». (شهرستانی ۱۳۸۱، ۶۳) بنابراین، تشبیه به معنای نسبت دادن اوصاف بشری به خدا و تنزیه، عاری نمودن خدا از هر گونه صفتی

است. تشبیه بیان می‌دارد که «انسان برای درک هر چیزی یا باید آن را نمادینه کند، یعنی نشانه‌ای برای آن قرار دهد و یا اینکه میان خود و آن سختی بیابد؛ به عبارت دیگر، میان مُدرک و مُدرک، همجنسی ایجاد کند تا آن را دریابد». (اردستانی ۱۳۸۸، ۱۸) بشر نیز مجبور شده است برای فهمیدن و درک معبودش، او را از جنس خویشتن قرار دهد تا بدین وسیله وی را بهتر درک کند. مفاهیم تشبیه و تنزیه در مزارها به طرق مختلف متجلی می‌گردند. گروهی از مزارها نماینده تشبیه، و گروهی نماینده تنزیه است و هریک، سعی در به نمایش گذاشتن ادراک و حس حقیقت‌جویی خویش دارند.

«تشبیه در مزارها و اماکن مذهبی به معنای استفاده از نمودهایی است که درک خداوند را برای انسان آسان‌تر می‌کند و موجب ایجاد رابطه‌ای صمیمانه‌تر با وی می‌گردد». (حمزه‌نژاد ۱۳۹۰، ۵۴) بدین جهت در مزارهای تشبیهی، از عناصری استفاده شده که موجب به حداکثر رسیدن میزان تشبیه شده و صفاتی را متجلی ساخته است که درک حقیقت را تا منزله درک انسان‌ها ساده و آسان می‌کند. در مقابل آن، مزار تنزیهی به دنبال عاری نمودن ویژگی‌های جسمانی و تشبیهی از ذات حق است و بر خلاف مزار تشبیهی، سعی در به حداقل رساندن نمودهای کالبدی و توصیف ذات پروردگار با استفاده از این نمودها دارد. در این مزارها، سیر به تنزیه تمنای دل است و این مزار، نمود کاملی است از جلال خداوندی. به طور کلی، می‌توان اظهار نمود که تشبیه و تنزیه در حقیقت، درجه ادراک انسان‌هاست از ذات پروردگار. آنگاه که به ذات حق بنگریم، او را منزّه از هر تعریف و توصیفی درمی‌یابیم، یعنی حقیقت مطلق که هنوز به تجلی نیامده است (تنزیه). اما آنگاه که به جلوه‌گر شدن وجود حقیقی خداوند در آفرینش بنگریم، می‌توانیم شناختی محدود از وی بیابیم و این محل تشبیه است. «پس چون به کثرت می‌نگریم، در دام تشبیه هستیم و چون به وحدت مطلق می‌نگریم و از اسماء و صفات او که مظاهرش در گیتی است صرف نظر می‌کنیم، به تنزیه دچار می‌شویم». (اردستانی ۱۳۸۸، ۲۵)

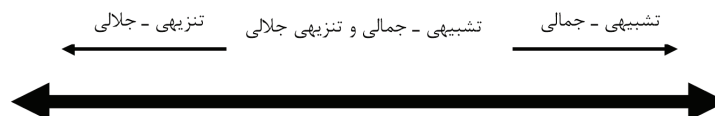
۲- ۲. مفهوم جمال، جلال و نحوه تجلی آن‌ها در مزارها

«جمال (زیبایی) و جلال (هیبت)، دو اصطلاح منحصر به فرد فلسفه و عرفان اسلامی‌اند، اما نقش آن‌ها در ساخت هنر، به‌ویژه معماری قدسی و مذهبی، آن‌چنان شگفت‌انگیز است که بدون بررسی کارکردشان، تبیین ویژگی و ماهیت مزارها چندان ممکن نیست». (ره‌نورد ۱۳۸۶، ۸۷) «جلال به معنای بزرگی و بزرگواری و در اصطلاح، از صفاتی است که به قهر و غضب تعلق دارد». (گوهرین ۱۳۶۸، ۴۵) در تعریف جمال می‌توان گفت: «جمال به معنی خوب‌صورت و نیکوسیرت، خوبی و خوب شدن است و به رضا و لطف تعلق دارد». (همان، ۵۰) علامه جعفری در توصیف جمال می‌گوید: «جمال و زیبایی، وسیله‌ای است برای وصول به کمال، مشروط بر آنکه معنای جمال را دریابیم و اجازه ندهیم تا زیبایی ما را از درک حقیقت باز دارد». (جعفری ۱۳۸۶، ۹۲) «معادل لفظ عربی حسن در فارسی نیکویی است. در آثار سهروردی و غزالی و دیگر عرفا نیز نیکویی دقیقاً در ترجمه حسن به کار رفته است. جمال نیز بر همین معناست. جمال، حسنی است که ظاهر و بارز شده و در اعیان موجودات تجلی پیدا کرده است؛ به عبارت دیگر، جمال، کمال ظهور است و در مقام خفی نمی‌گنجد». (تقوایی ۱۳۸۱، ۴) «شخصیت صفت جمال، ویژگی‌هایی چون لطف، رضا و رحمت را بر ملا می‌کند و شخصیت صفت جلال، ویژگی‌های قهر، غضب، عزت و عظمت را». (لاهیجی ۱۳۸۰، ۷۵۷) اما باید توجه داشت که این دو صفت، با یکدیگر در تضاد نیستند و اگر تضادی نیز به نظر آید، تضاد در ظاهر است نه در باطن. زیرا در باطن هر جمالی، جلالی خفته و در پس هر جلالی، جمالی پنهان است. در معماری مزارها ویژگی‌های متنوعی با ظرافت‌های خاص وجودی و بصری متجلی می‌گردند که آن‌ها را می‌توان با مظاهری چون صمیمیت و هیبت، دعوت‌گری و انزوا، فقر و غنا و... بررسی کرد. تمامی این مظاهر، نمودهایی از مفاهیم قدسی است و ذیل جلوه‌های جمال، جلال، تشبیه و تنزیه قابل بررسی‌اند. در پژوهش حاضر، جهت گونه‌شناسی مزارها، از طریق بررسی مفاهیم قدسی که مبنای پژوهش است، به شناخت مظاهر آن‌ها پرداخته و سپس با توجه به چگونگی تجلی این مظاهر در کالبد، مؤلفه‌هایی معرفی شده و در مزارها مورد بررسی گرفته‌اند. نمودار زیر، روند گونه‌شناسی مزارها را بر اساس مفاهیم قدسی نشان می‌دهد.



نمودار (۱): روند گونه‌شناسی مزارها بر اساس مفاهیم قدسی تشبیه، تنزیه، جمال و جلال

به نظر می‌رسد تفاوت‌های بنیادینی میان مؤلفه‌های تشبیهی و تنزیهی - تجسدگونه و تجلی‌گونه - و مؤلفه‌های جمالی و جلالی وجود دارد. «مظاهر جمال، جنبه‌های تشبیهی و ملموس کمال را دارند و جنبه‌های جذاب کمال‌اند. در مقابل، مظاهر جلالی، عمدتاً خاصیت تنزیهی دارند و تنها جنبه دست‌نیافتنی بودن کمال را بیشتر منعکس می‌کنند». (نقره‌کار ۱۳۸۷، ۱۱۷) به این ترتیب، می‌توان گفت که وحدت و تجلی جمال و جلال خداوندی و به کارگیری تشبیه و تنزیه در تار و پود کالبدی فیزیکی، به طرق گوناگون در مزارها صورت می‌گیرد. در این میان، نمودهایی که بیشتر مظهر کالبدی و تشبیهی دارند، بیان‌کننده ویژگی‌های جمالی - متناسب با صفات صمیمیت، زیبایی و دعوتگری - است و این مزارها جزء مزارهای تشبیهی به حساب می‌آیند. در مقابل، عاری نمودن ویژگی‌های تشبیهی و به کارگیری تنزیه و به حداقل رساندن نموده‌ها و مظاهر کالبدی، بیان‌کننده ویژگی‌های جلالی - متناسب با صفات قهر، غضب، هیبت و انزوا - است و این مزارها در گروه مزارهای تنزیهی - جلالی قرار می‌گیرند. در این میان، بهره‌گیری از ویژگی‌های مشترک هر دو گونه، مزارهای تشبیهی - جمالی، تنزیهی - جلالی را به دست می‌دهد. بدین ترتیب، گونه‌های مرتبط با مفاهیم جمال، جلال، تشبیه و تنزیه بر روی یک طیف به صورت زیر قابل ملاحظه‌اند:



نمودار (۲): طیف دربرگیرنده گونه‌های مرتبط با مفاهیم جمال، جلال، تشبیه و تنزیه

گونه‌های تشبیهی - جمالی و تنزیهی - جلالی در دو انتها و گونه تشبیهی - جمالی و تنزیهی - جلالی، در میانه طیف قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، هنگامی که با نهایت جمال مواجهیم، بیشترین استفاده از جنبه‌های تشبیهی را در آن خواهیم دید و در مواردی که با جلال مطلق روبه‌رو هستیم، بیشترین میزان تنزیه را با عاری نمودن آن از هر صفتی مشاهده خواهیم کرد.^۸ در جدول (۱)، معیارهای مورد نظر به عنوان نمود تجلی مظاهر تشبیه، تنزیه، جمال و جلال در مزارها مطرح و در نهایت سه گونه مختلف، بر اساس آن معیارها معرفی شده است. معیارهای طبیعت‌گرایی، دالالتگری از طریق نماد، نشانه و آیه و مرکزگرایی، محورگرایی و کانونمندی فضا جهت تشخیص تشبیه و تنزیه در نظر گرفته شده‌اند، زیرا بیشترین نمود را در کالبد مزارها دارند و از طریق آن‌ها می‌توان به تشبیه صفات خداوندی پرداخت یا او را از هر صفتی عاری نمود. همچنین سه معیار نقش فضای درون در پذیرش زائر، استفاده از مصالح فاخر و پرتزئین و سلسله‌مراتب فضایی و تنوع فضاها در رسیدن به مقبره، به علت امکان انتقال مفاهیم زیبایی و ظرافت، آرامش و امنیت و همچنین عظمت و غلبه، جهت تشخیص جمال و جلال در مزارها به کار گرفته شده‌اند.^۹

جدول (۱): مؤلفه‌های کالبدی موجود در مزارها و گونه‌شناسی آن‌ها بر اساس مبنای پژوهش

مبنای پژوهش	مظاهر تشبیه، تنزیه، جمال و جلال	مؤلفه‌های تشخیص گونه در مزارها	گونه‌شناسی مزارها
تشبیه	حداکثر تزئینات، حداکثر تشخیص، حداکثر شبیه‌سازی، حداکثر فاخریت، ارتباط با طبیعت، تکامل‌یافتگی، ارتفاع بلند، خیال‌انگیزی تشبیهی	۱. طبیعت‌گرایی ۲. دالالتگری از طریق نماد، نشانه و آیه ۳. اصالت مزار در سامان‌دهی فضاها	گونه تشبیهی - جمالی
تنزیه	حداقل تشخیص، حداقل شبیه‌سازی، حداقل فاخریت، بدویت، حداقل رابطه با طبیعت، خیال‌انگیزی تنزیهی	مجموعه مزار	گونه تنزیهی - جلالی
جمال	حداکثر تزئینات، دعوت‌گری، شادی‌انگیزی، سلطنت تجلی، مخاطب‌محور، درگاه رفیع، شکوه جذاب، مهربانی، همنشینی با مخاطب، زیارت طرفینی	۱. نقش فضای درون در پذیرش زائر ۲. استفاده از مصالح فاخر و پرتزئین ۳. سلسله مراتب فضایی و تنوع فضاها	گونه تشبیهی - جمالی، تنزیهی - جلالی
جلال	حداقل تزئینات، سادگی، فقر، غم معنوی، مهیب، تزئین کم، مردم‌واری، خودبسندگی، فنا، عدم تأکید بر زیارت	در رسیدن به مقبره	

۳. تحلیل مصداقی مزارها بر اساس معیارهای تشبیه و تنزیه

۳-۱. طبیعت‌گرایی

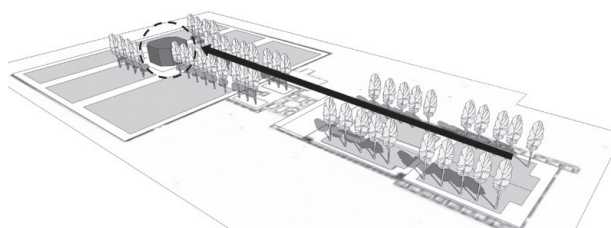
توجه و اهمیت نهادن به طبیعت در برخی مزارها به دوره پیش از اسلام باز می‌گردد. «در گذشته، آیین نیایش و مراسم مذهبی، بیشتر در فضاهای باز صورت می‌گرفته است. فضاهای بازی که با عناصر طبیعی چون آب، گیاه و خاک همراه بوده و نیایش در چنین فضاهایی بر روحانیت و تقدس آن‌ها می‌افزوده است». (اینانو ۱۳۸۰، ۴۱) طبیعت را می‌توان از دو بعد تشبیهی و تنزیهی در مزارها مورد بررسی قرار داد. طبیعت تشبیهی با تشبیه صفات الهی، دارای مظاهری پرتنوع، جذاب و جمالی برای مخاطب است و با زیبایی و صمیمیتی که از طریق رنگ‌های متنوع، تحرک و سرزندگی خود خلق می‌کند، القاکننده مفهوم تشبیه به مخاطب است و به این ترتیب، یادآور زیبایی پروردگار. در مقابل این نوع طبیعت،

طبیعت تنزیهی قرار می‌گیرد که جنبه کالبدی و مادی کمتری را به مخاطب القا می‌کند و می‌تواند مظهری برای ابعاد نامحسوس و تنزیهی هستی باشد. بعد زنده و متحرک طبیعت تشبیهی، نشان‌دهنده حیات الهی است مانند گل‌ها، گیاهان، درختان و طبیعت سبز. اما بعد تنزیهی و ساکن و ثابت آن، جنبه تجریدی بیشتری دارد و میزان تشبیه آن برای مخاطب کمتر است مانند خاک و آب و

جدول (۲): بررسی ویژگی‌های طبیعت تشبیهی و طبیعت تنزیهی

انواع	طبیعت تشبیهی	طبیعت تنزیهی
ویژگی‌ها	زنده، متحرک، زیبا، متنوع، جمالی و آرایش یافته، لطافت، سرزندگی	بی‌جان، ثابت، ساده و بی‌پیرایه، عدم تنوع، کثرت وجود، صلابت
مثال	درختان سبز، گل‌ها و گیاهان	آب و خاک

در تقسیم‌بندی مزارها، آن دسته از مزارهایی که در ارتباط با طبیعت تشبیهی قرار گرفته‌اند، جزو مزارهای تشبیهی به شمار می‌آیند. این مزارها دارای بیشترین رابطه با گیاهان به‌ویژه درخت‌اند که به صورت هماهنگ در کنار فضای مصنوع قرار می‌گیرد و از این طریق، درک حقیقت را برای انسان آسان‌تر می‌کند. در این مزارها، طبیعت در خدمت مزار است و در اطراف آن سامان‌دهی شده است. در میان مزارهای تشبیهی، باغ‌مزار به سبب حضور نمادین درختان و گیاهان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باغ‌مزار، نوعی باغ است که غالباً تمام یا بخشی از عرصه آن به مزار اختصاص می‌یابد.



تصویر (۱): تصویر و پرسپکتیو باغ‌مزار قدمگاه نیشابور - دوره تیموری: باغ‌مزارها به علت ارتباط مستقیمی که با طبیعت تشبیهی (درخت) دارند، جزو مزارهای تشبیهی به حساب می‌آیند. چنین ارتباطی با عناصر طبیعی تشبیهی، در دو گونه دیگر مزارها به چشم نمی‌خورد. در این تصاویر، ارتباط با فضای سبز و درختان و تأثیر آن‌ها در سامان‌دهی فضاهای باز - صحن، مشهود است. همان‌طور که در پرسپکتیو مشخص است، طبیعت سبز، بنای مقبره را احاطه می‌کند و در صحن به خوبی رخ می‌نماید. (آرشیو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)

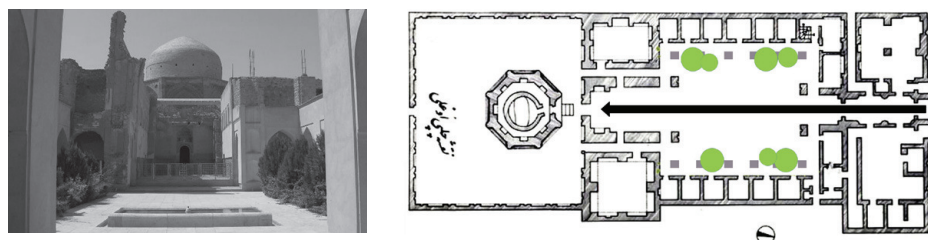
آنچه در رابطه با طبیعت تشبیهی در این مزارها حاصل می‌گردد، دستیابی به مکان‌هایی آرام و ساکت است که موجب تمرکز هرچه بیشتر زائر می‌گردد و از آنجا که تمرکز، لازمه عبادت و زیارت حقیقی و عمیق است، این مزارها یکی از مناسب‌ترین مکان‌ها برای زیارت به حساب می‌آیند و ارتباط با طبیعت سبز و نقش طبیعت به عنوان یکی از عناصر اصلی دربرگیرنده و سازمان‌بخش مزار به خوبی قابل مشاهده است. سردر اصلی این مزارها، در تباین فضاهای اصلی از طریق پیشگاه و ایوان، با فضاهای واسطی چون صحن و ارتباط آن‌ها با طبیعت است. در واقع، این فضای واسطی از طریق ایجاد

ارتباط با طبیعت تشبیهی، کمک می‌کند تا فرد با ورود به مزار از حال و هوای بیرون آزاد شده، آن را از یاد ببرد و در درون قرار گیرد. این گسستن از بیرون و پیوستن به درون از طریق ارتباط با طبیعت، شرایط مناسبی برای زیارت فراهم می‌آورد. در مزارهای تشبیهی در ایجاد فضای مصنوع (مقبره)، کمال احترام و احتیاط در نحوه برخورد با طبیعت به کار می‌برد و از تخریب و صدمه به آن احتراز می‌کند. «فضای مصنوع خود را به آرامی در کنار طبیعت می‌نشاند و با ایجاد فضاهای باز داخلی، تلاش در بازسازی و بازآفرینی طبیعت سبز در داخل و در کنار فضای مصنوع - مقبره و فضاهای اطراف آن - دارد». (نقره‌کار ۱۳۸۱، ۱۲۴) در این مزارها دید از محوطه به بنا، اهمیت بیشتری نسبت به دید از بنا به محوطه پیرامون آن می‌یابد به این صورت که معمولاً مزار، در محلی از مجموعه قرار می‌گیرد که به بهترین شکل با طبیعت سبز در ارتباط باشد و از لحاظ بصری، از بیشترین اهمیت و شکوه ممکن برخوردار باشد. طبق دسته‌بندی انجام‌شده، مزارهایی که در ارتباط کمتر با گیاهان و درختان اند و بیشتر از آب و خاک به عنوان عناصر طبیعی و طبیعت تنزیهی بهره‌جسته‌اند، جزو مزارهای تنزیهی به شمار می‌آیند. وجود حداقل رابطه با طبیعت تشبیهی در این مزارها، جزو بارزترین تفاوت‌هایی است که در نگاه اول و در مقایسه با مزارهای تشبیهی حس می‌گردد. در مورد مزارهای تنزیهی و رابطه آن‌ها با طبیعت تشبیهی، می‌توان گفت که این مزارها حیاط سبز ندارند. همان‌گونه که از مفهوم تنزیه برمی‌آید، مزارهای تنزیهی به دنبال عاری نمودن ویژگی‌های مادی از کالبد خویش‌اند و در پی رسیدن به این ویژگی، طبیعت تشبیهی که نمودی است از ذات حق و هر آنچه زیباست، در این نوع مزارها جایی نخواهد داشت و استفاده از عناصر بی‌جان، ثابت، ساده، بی‌پیرایه و باصلابت، بیش از گونه‌های دیگر در آن‌ها به چشم خواهد خورد.^{۱۰}



تصویر (۲): از راست به چپ: پرسپکتیو و پلان مزار ابوبکر تایبادی - دوره تیموری و مزار بایزید بسطامی، دوره غزنوی - سبک رازی: در مزارهای تنزیهی، عناصر طبیعی چون درخت، تأثیری بر سامان‌دهی و شکل‌گیری فضای مقبره ندارد. در مزار تایبادی، رابطه با طبیعت سبز تنها از طریق درخت پسته‌ای که بر فراز مقبره روییده، برقرار گشته است. اگرچه مزار، درون حیاط و محوطه سازمان‌دهی شده‌ای قرار دارد، اما شواهدی از باغ‌سازی و الگوی باغ‌مزار در آن دیده نمی‌شود و اگر رابطه‌ای در گذشته وجود داشته، رابطه با فضای مجاور مقبره بوده است. (آرشیو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)

در مزارهای تشبیهی - تنزیهی، رابطه با طبیعت به گونه‌ای دیگر متجلی می‌گردد. به این صورت که در این مزارها نه به اندازه مزارهای تشبیهی، طبیعت جزو اصلی عناصر مزار است و نه مانند مزارهای تنزیهی، عاری از عناصر طبیعی (درخت) می‌باشند. آنچه در این مزارها به چشم می‌خورد، رابطه حداقلی است که با درخت و طبیعت سبز برقرار شده است و این طبیعت تشبیهی، جزو عناصر اصلی سازمان‌دهنده فضای مقبره به حساب نمی‌آید.



تصویر (۳): پلان و تصویر مزار چلبی اوغلو، سلطانیه - دوره تیموری: این مقبره، دارای حداقل ارتباط با طبیعت سبز است، اما برخلاف مزارهای تنزیهی، این ارتباط حذف نشده است. نقش طبیعت تشبیهی در سامان‌دهی صحن کم‌رنگ است، اما همچنان در ارتباط با مزار است. (آرشیو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)

۳-۲. دلالت‌گری نماد، نشانه و آیه

نماد، نشانه و آیه، مفاهیمی هستند که نقش مهمی، در ایجاد تفاوت‌های کالبدی و معنایی در مزارها ایفا می‌کنند. ابتدا بهتر است به بررسی این سه مفهوم بپردازیم. نشانه‌ها برای اشاره صورت به صورت^{۱۱} مورد استفاده قرار می‌گیرند و «بیشتر به جنبه‌های صوری و کالبدی معماری می‌پردازند و در برخی موارد، به اشارات کوتاهی درباره مفهوم و محتوا بسنده می‌کنند». (نقره‌کار ۱۳۸۷، ۵۹۵) نشانه‌ها دارای بعد هویت‌بخشی‌اند، به همین دلیل، بیشتر عناصر کالبدی را به خدمت می‌گیرند تا از طریق آن‌ها بتوانند میان عناصر موجود، تمایزی قابل درک جهت عموم مخاطبان ایجاد کنند. از آنجا که مزار مورد توجه عموم مردم است، نیاز به استفاده از نشانه‌های عام دارد و درک آن نشانه‌ها از طریق مشاهده و به صورت حسی صورت می‌گیرد و نیاز به برداشت محتوایی ندارند، مانند ضریح یا پنجره فولاد که از نشانه‌های مزار است. مفهوم نماد در یک تعریف ساده، اشاره به یک سر رابطه‌ای دارد که در آن، بر پایه یک گونه دلالت می‌توان از یک پدیده به پدیده‌ای دیگر پی برد؛ بنابراین، هنگامی که یک پدیده بتواند نشانگر پدیده دیگری جز خود باشد و با ظهور خود، امر دیگری در پس خود را نمودار سازد، آنگاه نماد آن شمرده خواهد شد. نماد دارای بعد معرفت‌بخشی و راهی برای تعمیق معرفت است و بیشتر به سرچشمه معنایی و معنوی توجه دارد؛ بدین سبب، در نمادگرایی عناصر کالبدی و تزئینی به وفور جهت اشاره به محتوا و مفهوم به کار گرفته می‌شوند و مفاهیمی که به زبان مستقیم قابل بیان نیستند، قالبی نمادین به خود می‌گیرند تا بتوانند خود را بیان کنند. طبق نظر جلال ستاری در کتاب *رمزاندیشی و هنر قدسی*، رمز یا نماد، بیان ادراکی و مشهود است که باید جایگزین چیزی مخفی و مکتوم شود. تیلش در کتاب *فلسفه زبان دینی* معتقد است که ما باید قائل به تمایز میان نشانه و نماد باشیم. نشانه و نماد «هر دو به ورای خودشان می‌پردازند، اما نمادها بیشتر رابطه‌ای قراردادی و عرفی با آنچه دارند که به آن اشاره می‌کنند». (Stiver 1996, 122) پس نماد، تجلی یا واسطه امری معنوی محسوب می‌شود و نمادپردازی جایی آغاز می‌گردد که امکانات بیان، محدود و زبان عاجز می‌گردد. رنه گنون در مقاله «کلمه و سمبول» می‌گوید: «حقایق متعالی که قابل انتقال و القا به هیچ طریق دیگری نیستند، هنگامی که با نمادها در می‌آمیزند، تا اندازه‌ای انتقال‌پذیر می‌گردند». (Guenon 2001, 55)

در مزارهای تشبیهی، نمادگرایی و نشانه‌پردازی به اوج خود می‌رسد و به صورت‌های گوناگون جلوه‌گر می‌شود و موجب سیر از ظاهر به باطن و از شکل به معنا می‌گردد. این معانی می‌تواند به صورت نور، استفاده از آینه، طلا و نقره در تزئینات، کاربندی‌ها و مقرنس‌ها و موارد بسیار دیگر در مزارهای تشبیهی نمود یابد. در واقع در این مزارها، نشانه‌ها و نمادها به ورای خود می‌پردازند و سعی در اشاره به واقعیتی فراتر از گستره مادی و زمینی، به کمک عناصر کالبدی دارند تا درک آن واقعیت را برای انسان ساده‌تر کنند.



تصویر (۴): از راست به چپ: مزار عبدالصمد نطنزی و مشتاقیه کرمان - نمادپردازی و سیر از کثرت به وحدت با استفاده از کاربندی. تشبیه در این مزارها با استفاده از نمادپردازی به وسیله عناصر کالبدی و کاربندی‌ها صورت گرفته است. این عناصر به تداعی معانی در ذهن انسان و درک منزله حق از طریق عناصر مادی کمک می‌کند. (ارشيو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)

«هدف از نقش‌آفرینی نمادین و تجسم سمبلیک حقایق عالم روح در فضای عبادی، در حقیقت بالا بردن ارواح مؤمنان از عالم محسوسات و بریدن ایشان از خواسته‌های طبیعی محض است. هدف رهایی آنان از وابستگی‌ها و قیودات مادی است تا با پاک شدن از دلبستگی‌های دنیوی به سرچشمه نور برسند و با آن درآمیزند». (علی‌آبادی ۱۳۷۶، ۳۰۸) برای مثال، در مزارهای تشبیهی، جهت تجسم نمادین

جهان آفرینش و در آسمانه تمثیلی آن، یعنی گنبد دوارش، مقرنس را می‌آفریند - تجسمی از بنایی محکم و با اساس - و در آن با به کار گرفتن صورت ستارگان نقش‌آفرینی می‌کند و از قدرت تجرید که از ویژگی‌های ذهنی آدم است، مدد می‌گیرد. در اینجا است که معماری به وسیله نقوش هندسی و مقرنس‌ها، که نمادی از طبقات آسمانی‌اند، به نشان دادن وحدانیت الهی اقدام می‌کند. و هر جزو به کار رفته در یک نظام کلی طراحی، وظیفه نمادین خاص خود را دارد. انتقال مفاهیم در مزارهای تنزیهی بیشتر به صورت آیه‌ای صورت می‌گیرد. بیان آیه‌ای، گونه‌ای از بیان مفاهیم با بهره‌گیری حداقل عناصر کالبدی و بیشترین میزان سادگی است تا از طریق این سادگی بیان دارد که هیچ چیز قادر به نشان دادن اصل حقیقت و یا تشبیه آن نیست. از این نوع آیه‌پردازی می‌توان با عنوان «غنا در عین فقر» یا «حجاب‌زدایی از صورت برای نزدیک شدن به بی‌صورتی» نیز یاد کرد. آیه دارای بعد حقیقت‌بخشی است و این حقیقت حاصل نمی‌گردد مگر با خلوص، سادگی و حداقل‌گرایی. به همین دلیل است که قابلیت مخاطب در درک آیه بسیار مهم است و فرد باید به مرتبه‌ای از عرفان رسیده باشد که مفهوم آن را به صورت شهودی درک کند. در این مزارها برای شناخت و نزدیک شدن به جوهر و ذات حقیقت از هر گونه نمادپردازی با عناصر معماری و کالبدی دوری شده است؛ اما باید اظهار داشت که سادگی مزارهای تنزیهی هرگز به معنای بی‌توجهی به نماد و رمز نیست، بلکه این خود، جلوه و نمادی از بعد تنزیهی حضرت حق و سادگی و بساطت آن و همچنین فقر معنوی انسان است و هرگز نباید مفهوم آیه را با پیچیدگی و تزئینات یکی گرفت و چه بسا که خلوص و سادگی، خود مهم‌ترین نمادها در این مزارها باشند.^{۱۲}

جدول (۳): بررسی سه عنصر نماد نشانه و آیه در مزارها			
هدف	نشان	نماد	آیه
هویت	معرفت	حقیقت	
مدلول	حسی	عقلی	شهودی
تبیین	اشاره صورت به صورت	اشاره صورت به مفهوم	حجاب‌زدایی از صورت برای نزدیک شدن به بی‌صورتی
مثال	پنجره فولاد و ضریح	وحدت در کثرت در گنبد	سادگی و حداقل‌گرایی در مقبره‌های حظیره‌ای

در ساخت مزارهای تشبیهی، معمار هنرمند در ذهن خود، تصویری آرمانی از جمال و زیبایی دارد و صنعت خود را در رسیدن به آن می‌پرواند و آن صنعت را به صورت نمادها و نشانه‌ها به تجلی درمی‌آورد. اما در مزارهای تنزیهی، هرچه معماری خالص‌تر و مجردتر باشد و از نمادپردازی به دور باشد، پیام قدسی آن، شکلی تنزیهی‌تر به خود می‌گیرد و ارزش‌های ذاتی را به صورت درونی و نه در ظاهر متجلی می‌سازد. همان‌طور که گفته شد، عاری بودن از هر نوع نماد و نشانه بعد تنزیهی حق و داشتن نمادها و نشانه‌های گوناگون بروز یافته در شکل و صورت، نشانه بعد

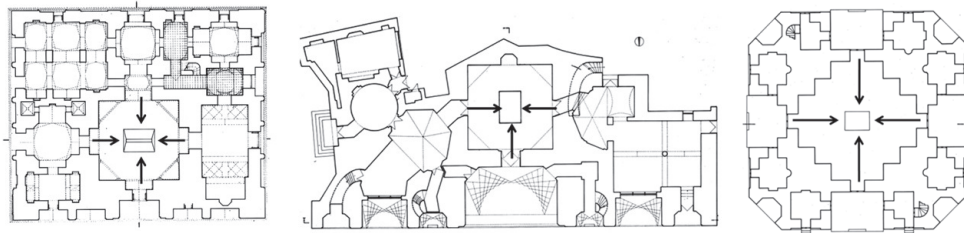
تشبیهی حق است؛ در این میان، مزارهایی وجود دارند که از نمادها و نشانه‌ها در حدی متعادل و میانه بهره برده‌اند. مزارهای تشبیهی - تنزیهی، مخاطب را به سیر از ظاهر به باطن می‌رسانند و آن‌ها را متوجه معانی و مفاهیم نمادین به کار رفته در بنا می‌کنند، اما این نمادها و نشانه‌ها تا حدی نیست که فضای مقبره و اطراف را غرق در خود سازد. این مزارها علاوه بر برخورداری از صلابت و سنگینی در شخصیت درونی خود، که حسی از تنزیه را در آن‌ها القا می‌کند، به سمت نمادپردازی نیز قدم برداشته و سعی در ایجاد ارتباطی دوسویه از طریق همین نمادپردازی میان ذهن مخاطب و مفاهیم دارند.



تصویر (۵): مزار بابزید بسطامی در شهر بسطام. سبک رازی. این مزار بسیار ساده و فاقد هر گونه تزئین و نماد و نشانه، نمونه بسیار خوبی جهت نشان دادن دلالتگری آیه در مزار تنزیهی است و حداقل تزئینات در آن خیال تنزیهی را افزایش می‌دهد. سادگی و حداقل‌گرایی، دلیلی بر پرهیز از نمادپردازی از طریق عناصر کالبدی در این مزار است. (www.vefagh.co)

۳-۳. اصالت فضای مقبره در سامان‌دهی فضایی مجموعه مزار

مراد از اصالت فضای مقبره در سامان‌دهی فضایی مجموعه مزارها، نوعی سامان‌دهی فضایی است که در آن، همه فضاها به فضای مقبره که در مرکز قرار گرفته است، منتهی و معطوف می‌شوند و محل قرارگیری مقبره، بیشترین تأثیر را بر استقرار سایر فضاها در اطراف آن دارد. اصالت مقبره در مزارهای تشبیهی باعث به وجود آمدن نوعی از مرکز‌گرایی و پرداختن به مرکز کالبدی در آن‌ها می‌گردد. در این مزارها با توجه به اهمیتی که مقبره و ساخت و ساز روی آن - به شکل ضریح یا هر شکل دیگری - دارد، میل به مرکز‌گرایی به صورت مرکزی هندسی و غیرهندسی مشاهده می‌شود. «مرکز‌گرایی هندسی، نوعی از مرکز‌گرایی است که در دو سوی مرکز، قرینگی کامل به چشم می‌خورد و این قرینگی، تقارن خشک و ریاضی‌وار نیست که به ذهن سنگینی کند و با تکلف و تحمیل، خود را بر زائر نمایان سازد، بلکه ریشه در تفکرات اعتقادی مسلمانان و اهمیت انسان کامل دارد و مرکزی کالبدی و مفهومی است.» (حمزه‌نژاد ۱۳۹۰، ۸۹) در تعریف مرکز‌گرایی غیرهندسی می‌توان گفت: «مرکز‌گرایی غیرهندسی، نوعی از مرکز‌گرایی است که قرینگی خاصی در دو سوی مرکز آن به چشم نمی‌خورد، اما همه عناصر و اجزا، چشم‌ها و دل‌ها را متوجه مرکز کرده و رو به سوی آن دارند. این نوع مزارها، مزارهایی هستند که از نظر حسی در مرکز قرار گرفته‌اند.» (همان‌جا) در مزارهای تشبیهی، تأکید بر کانون و مرکزیت فضایی - کالبدی مقبره و گرایش به الگوی سامان‌دهی مرکزی تا حد زیادی وجود دارد و تمام عناصر چون طبیعت سبز یا فضاها الحاقی نیز در القای این مرکزیت نقش دارند.

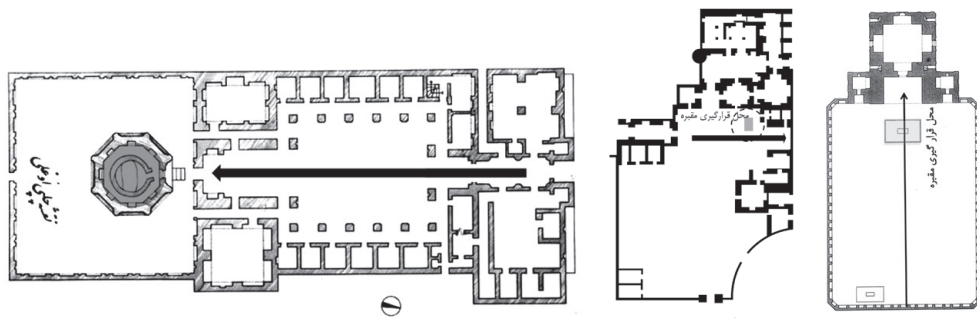


تصویر (۶): از راست به چپ مزار خواجه ربیع، مشهد، دوره صفوی - امامزاده زید، تهران - مزار میرزبزرگ آمل، دوره صفوی: در مزارهای تشبیهی، فضای مقبره، اصالت و اهمیت بالایی در سامان‌دهی سایر فضاها دارد و مرکز‌گرایی هندسی و غیرهندسی در آن دیده می‌شود. این مرکز‌گرایی ریشه در تصورات اعتقادی مسلمانان و اهمیت انسان کامل در این مزارها دارد. (منبع الف) مرکز موجود در مزار خواجه ربیع، از نوع مرکز هندسی است و تقارن آن، تقارن خشک و ریاضی‌وار نیست. در مزار میر آمل، مرکز‌گرایی غیرهندسی وجود دارد و همان‌طور که مشخص است، سایر فضاها حول این نقطه مرکزی به وجود آمده‌اند. (ارشیو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)

بررسی هندسه پلان مزارهای تشبیهی، نشان‌دهنده آن است که هندسه این مزارها برخلاف مزارهای تنزیهی، آزاد و رها نیست، بلکه محدود و حول یک نقطه مشخص (مقبره) به وجود آمده است. به این صورت که مقبره در میانه فضای اصلی (گنبدخانه یا...) قرار گرفته و سازمان‌دهی سایر فضاها نیز متأثر از آن است. در واقع آنچه در این مزارها دارای اهمیت است، وجود همان مظهر کالبدی و رسیدن به آن نقطه است و مقبره که در مرکز قرار گرفته، نمود مادی وجود عنصری قدسی می‌باشد.

در مقابل اصالت و اهمیت مقبره در سامان‌دهی فضایی مزارهای تشبیهی، عدم توجه به آن در سامان‌دهی فضایی مزارهای تنزیهی، قابل بررسی است. همان‌طور که گفته شد، مرکزیت یافتن هر چیزی توجه را به سمت خود جلب می‌کند و این جلب توجه می‌تواند هم در راستای توجه به ویژگی‌های شخصیتی و بزرگداشت انسان کامل باشد، و هم توجه به عناصر مادی در بر گیرنده آن. در مزارهای تنزیهی این مرکزیت وجود ندارد و از هر عنصر مادی و کالبدی که موجب توجه بیش از حد شود و انسان را از اصل و حقیقت باز دارد، پرهیز شده است. در این مزارها، مقبره، کانون همه فضاها نیست و تمام جهت‌گیری‌ها بدون نیاز و توجه به آن صورت گرفته است. عدم وجود مظهر کالبدی و وجود حداقل سنگ قبر، باعث شده تا هندسه مزار تحت تأثیر مقبره قرار نگیرد و به این صورت است که از نظر سازمان‌دهی فضایی نمی‌توان مرکز مادی برای مزارهای تنزیهی قائل شد. عدم اصالت مقبره در مزارهای تنزیهی موجب می‌شود تا مقبره، به عنوان مقدمه و آستانه‌ای برای ورود به فضاها دیگر - مانند خانقاه - عمل کند. زیارت در این مزارها، جدا از سایر اعمال و محل زیارت جدا از سایر مکان‌ها نیست و آنچه اهمیت دارد، وجه خداست که در

همه جا هست و تمام صفات، نمودی از وجود و حضور اوست. شاید نبود مرکزیت کالبدی در مزارهای تنزیهی، جلوه این آیه قرآن باشند که «به هر سو که روی بیاورید، همان جا روی خداست». (بقره: ۱۱۵)



تصویر (۸) - مزار چلبی اوغلو، سلطانیه - دوره تیموری: در مزارهای تشبیهی - تنزیهی، مقبره در راستای محور اصلی و محور قبله قرار گرفته و هدف رسیدن به مزار در امتداد عبور از سایر فضاهاست. (آرشیو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)

تصویر (۷): از راست به چپ مزار ابوبکر تابیدی - دوره تیموری، مزار بایزید بسطامی: عدم اصالت مقبره در مزارهای تنزیهی به خوبی مشخص است. مزار در امتداد و کنار مسیر عبوری استقرار یافته و مقدمه‌ای جهت رسیدن به سایر فضاهاست. (آرشیو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)

در مزارهای تشبیهی - تنزیهی، می‌توان اصالت مقبره را در سامان‌دهی سایر فضاها دید، اما این اصالت تا حدی نیست که مانند مزارهای تشبیهی، موجب ایجاد مرکزیت فضای مقبره شود، بلکه همه فضاها معطوف به مقبره است و هندسه مجموعه، متأثر از محل قرارگیری آن. در این مزار، مقبره در امتداد سایر فضاها قرار دارد که با عبور از آن‌ها، در نهایت هدف رسیدن به مقبره است. به عبارت دیگر، اگر یک مسیر عبوری فرضی را در نظر بگیریم، در مزارهای تشبیهی، این مسیر در مرکز به مقبره ختم می‌شود و عبور متوقف می‌گردد، اما در مزارهای تنزیهی، این مسیر از میان یا کناره مزار می‌گذرد و به فضاهای دیگر می‌رسد و مزار بخشی از مسیر است. در مزارهایی که از ویژگی دو مزار دیگر پیروی می‌کنند، این مسیر پس از عبور از سایر فضاها در انتهایی‌ترین نقطه خود به مزار ختم می‌گردد. بدین ترتیب، سامان‌دهی سایر فضاها با مرکزیت دادن به مقبره، نشان‌دهنده بیشترین میزان تشبیه و توجه به مقبره است و عبور از مقبره و عدم اصالت دادن به آن در سامان‌دهی سایر فضاها، نشانه بالاترین حد تنزیه و توجه به ذات پروردگار است. در این میان، رسیدن به مقبره پس از عبور از سایر فضاها در انتهایی‌ترین نقطه و عدم توجه بیش از حد به فضای مقبره و در مرکزیت قرار دادن آن با توجه به میزان اصالت مقبره، تا حدودی از ویژگی‌های دو گونه دیگر پیروی می‌کند. جدول زیر بیان‌کننده ویژگی مزارها و مقایسه تطبیقی آن‌ها، از نظر میزان اهمیت و اصالت مقبره در سامان‌دهی فضاهاست.

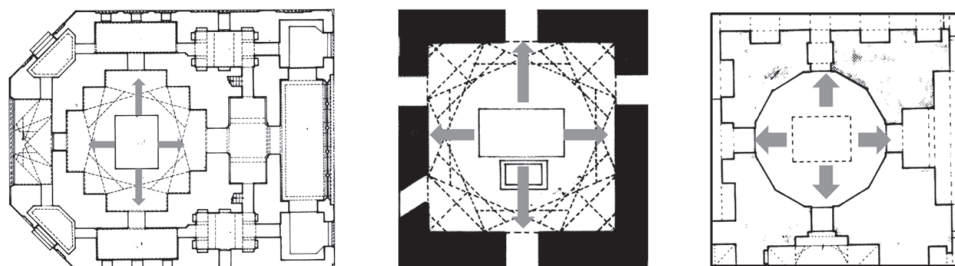
جدول (۴): بررسی مرکزگرایی و محورگرایی در سه گونه مزار

نوع مزارها	ویژگی‌ها	نمودار
تشبیهی	اصالت فضای مقبره در سامان‌دهی فضایی مجموعه مزار	تأکید بر کانون و مرکزیت فضایی - کالبدی، گرایش به الگوی سامان‌دهی مرکزی و قرارگیری مقبره در مرکز سایر فضاها
تنزیهی	عدم اصالت فضای مقبره در سامان‌دهی فضایی مجموعه مزار	هندسه فضاها متأثر از محل قرارگیری مقبره نیست و هدف عبور از مزار است.
تشبیهی - تنزیهی	اصالت فضای مقبره در کنار اصالت سایر فضاها	هندسه فضاها تا حدودی متأثر از محل قرارگیری مقبره است و هدف رسیدن به مزار است.

۴. تحلیل مصداقی مزارها بر اساس معیارهای جمال و جلال

۴-۱. نقش فضای درونی در پذیرش زائر

یکی از معیارهای تقسیم‌بندی مزارهای جمالی و جلالی، نقش فضای درونی در پذیرش زائر است. قرارگیری برخی مزارها در فضای داخلی و قرارگیری برخی دیگر در فضای باز خارجی - صحن - موجب به وجود آمدن تفاوت‌های مفهومی در مزارها می‌گردد. در مزارهای جمالی، مقبره در داخل فضایی مسقف قرار دارد و «این فضا، چون خانه‌ای است که زائر در آن نقش مهمان دارد و هم‌نشینی دوسویه میان زائر و زیارت‌شونده برقرار می‌گردد، به صورتی که فضا زائر را به درون فرا می‌خواند و پذیرای حضور وی در کنار مقبره می‌شود. این فضای مسقف داخلی برای زیارت‌کنندگان، امکان زیارت در پناه آن را فراهم می‌کند و تجربه آرامشی مطلوب را برای آن‌ها به وجود می‌آورد و با صمیمیت خویش بر جمالی‌تر شدن مزار می‌افزاید». (حمزه‌نژاد ۱۳۹۰، ۸۵) به عبارت دیگر، فضای گردش در اطراف مقبره به معنای پذیرش زائر و عطف و مهربانی با وی است و فضای سرپوشیده باعث ایجاد حس حضور در فضا و ایجاد حس تعلق خاطر می‌گردد و قرارگیری مزار در فضای داخلی، نقش مهمی در بااهمیت جلوه دادن مزار دارد.



تصویر (۹): از چپ به راست، مزار مشتاقیه کرمان - مشهد اردیال کاشان - مزار شاهزاده حسین قزوین. وجود فضای ساخته‌شده و مسقف در اطراف مقبره، باعث جمالی شدن این مزارها می‌شود. فضای گردش در اطراف مقبره به معنای در پناه گرفتن زائر و عطف و مهربانی با وی است و فضای سرپوشیده باعث ایجاد حس حضور در فضا و ایجاد احساس آرامش و تعلق خاطر می‌گردد. (ارشو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)

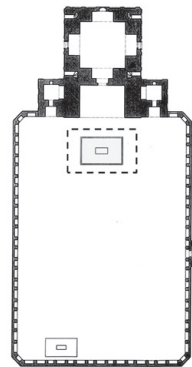
برخلاف مزارهای جمالی، اکثر مزارهای جلالی، مقبره‌هایی حظیره‌ای هستند. در این مقبره‌ها که در فضای باز خارجی و صحن و حیاط مستقر شده‌اند، ساخت و سازی در اطراف خود مقبره صورت نگرفته است؛ بنابراین، جنس زیارت و نوع رابطه زائر و زیارت‌شونده نیز در آن‌ها متفاوت با مزارهای جمالی است. در این مزارها، عدم هم‌نشینی با مخاطب و عدم عطف و مهربانی، زائر را به عبور از مزار تشویق می‌کند؛ بنابراین، صحن نسبت به مزار نقش مهم‌تری دارد و مزار به سبب عدم وجود کالبد بر فراز آن، به مکانی عبوری مبدل می‌گردد. از این مورد می‌توان با عنوان «دعوت‌گری» در مزارهای جمالی و «عدم دعوت‌گری» در مزارهای جلالی یاد کرد. در طول تاریخ، وجود سرپناهی پوشیده، همیشه انسان را به حضور در فضای درون فراخوانده است. این سرپناه امن با توجه به نوع کاربرد آن، نقش‌های گوناگونی به خود گرفته است؛ گاه پناهی در برابر باد و باران و خطرات طبیعی محیط پیرامون است، و گاه فضایی برای گردهم‌آیی.

در معماری قدسی، این فضای درونی معنایی متفاوت می‌یابد و تبدیل به فضایی جهت گردهم‌آیی، ستایش خدا و زیارت انسان کامل می‌گردد؛ بنابراین، وجود فضای سرپوشیده در مزارهای جمالی، خود عاملی است جهت حضور در فضا، احساس آرامش و تعلق خاطر به آن. «در حکمت عملی اسلام، فضای مصنوع - که در مزارهای جمالی دیده می‌شود - جایگاه سیر در انفس است و نسبت به فضای آزاد و رهاشده طبیعی، ایجاد مزر و حریم می‌کند تا نگاه و توجه انسان، از عالم خارج به عالم دور (تفکر، اندیشه و خودآگاهی) بازگردد». (نقره‌کار ۱۳۸۷، ۶۷) در مزارهای جلالی - به‌ویژه مزارهای اهل سنت - فضایی جهت جدا کردن مقبره از بیرون تعبیه نشده است. در این مزارها، مقبره در پیوند با فضای بیرون قرار می‌گیرد و ساخت و ساز ویژه‌ای جهت پذیرایی از زائر یا عبور از بیرون و رسیدن

به درون در آن‌ها دیده نمی‌شود. ملاقات با انسان کامل به صورت مستقیم و بدون هیچ تشریفاتی صورت می‌گیرد و گویی در آن‌ها اصل، انسان کامل نیست، بلکه خلوص و رابطه‌ای است که در راستای همین زیارت، با خدای خویش برقرار می‌سازد.



تصویر (۱۱): پلان مزار چلیبی اوغلو، سلطانیه - دوره تیموری. در مزارهای جمالی - جلالی، فضای اطراف مقبره بسیار کوچک است و فضای چندانی جهت گردش زائر در نظر گرفته نشده است. (آرشیو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)



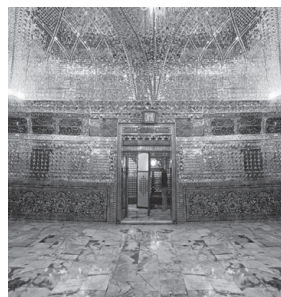
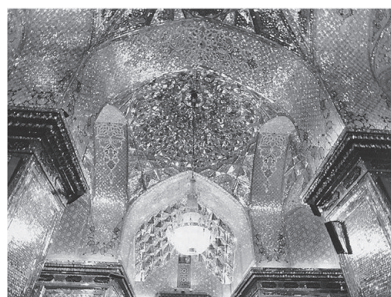
تصویر (۱۰): محل استقرار مقبره در مزار ابوبکر تایب‌الدین. همان‌طور که مشخص است، فضای مشخصی اطراف مقبره وجود ندارد تا زائر را به ورود و زیارت دعوت کند. این ویژگی منجر به عبور سریع زائر از مزار می‌شود. (آرشیو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)



در مزارهای جمالی - جلالی، فضای اطراف مقبره از اصالتی درونی برخوردار است، اما این فضای سرپوشیده از نظر ابعاد و اندازه، در مقایسه با مزارهای جمالی دارای تفاوت‌هایی است. کوچک بودن فضای داخلی و امکان گردش برای عده‌ای محدود به علت در حداقل بودن ابعاد فضا، از ویژگی این مزار است و آسایش و راحتی مخاطب در آن‌ها به طور کامل فراهم نیست. فضای داخلی به سبب پیروی از ویژگی‌های جمالی، مخاطب را جهت زیارت به درون می‌کشد، اما به اندازه‌ای وسعت ندارد تا زائر بتواند مانند مزارهای جمالی در گوشه‌ای بیاساید یا با زیارت‌شونده، رابطه‌ای صمیمانه‌تر برقرار سازد و در اینجا است که می‌توان اشاره به جلال خداوندی را در مزار دریافت؛ بنابراین، وجود فضای درونی، نشانه‌ای از جمال و وسعت کم، و فضای محدود درون آن، بیانگر جلال است. هرچه از میزان جلالی بودن مزارها کاسته و بر میزان جمالی شدن آن‌ها افزوده می‌شود، فضای داخلی از ارزش و وسعت بیشتری برخوردار می‌گردد. گسترش این فضای درونی را در حرم امام رضا(ع) می‌توان مشاهده کرد. فضای اطراف مقبره، با توجه به وسعت قابل ملاحظه‌ای که نسبت به سایر زیارتگاه‌ها و مزارها دارد، فضایی است جهت گردش در اطراف ضریح؛ فضایی که مجال ایستادن و تفکر و زیارت را به مخاطب می‌دهد.

۴-۲. نقش استفاده از مصالح فاخر و پرتزئین در مزارها

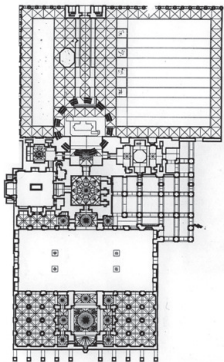
استفاده از مصالح فاخر، به معنای به کارگیری هر چیز زیبا و دوست‌داشتنی است که به چیز دیگر ضمیمه شود و به آن زیبایی بخشد. به گفته بورکهارت: «هنر اسلامی به‌ویژه در آنجا که به مکان‌های عبادی مربوط می‌شود، فضایی را می‌آفریند که در آن، عبادت آنچنان است که شایسته است انجام پذیرد. چنین فضایی در آن واحد به دو عملکرد که مکمل یکدیگرند، پاسخ می‌گوید: نخست آنکه زیبایی عبادت حق را جلوه‌گر می‌سازد و دوم آنکه در همان زمان، آن زیبایی را حفظ می‌کند». (بورکهارت ۱۳۶۵، ۵۵) بدین ترتیب است که جلوه‌گر ساختن زیبایی پروردگار، گاه از طریق افزودن تزئینات و استفاده از مصالح ارزشمند، و گاه از طریق به حداقل رساندن تزئینات جهت نشان دادن خلوص ذات حق صورت می‌گیرد. امر استفاده از مصالح فاخر در زیارتگاه‌ها و مزارهای جمالی، مسئله‌ای مهم است و «اجزایی که به سبب زیباسازی صوری فضا به کار گرفته می‌شوند، نه تنها در بالا بردن کیفیت فضای ویژه عبادت و زیارت، نقشی مؤثر دارند، بلکه در عملکرد فیزیکی و ساختاری بنا نیز دخالتی جدی دارند». (علی‌آبادی ۱۳۷۶، ۳۲۰)



تصویر (۱۲): آینه کاری در مزار سید ناصرالدین، تهران - آینه کاری در مزار شاه چراغ، شیراز - تزئینات امامزاده زید، تهران: در مزارهای جمالی، استفاده از مصالح فاخر باعث جلب زائران و تجمل مخاطب دوست می گردد. به نظر می رسد هدف استفاده از این مصالح، بیشتر جذب مردم عادی و جلب رضایت آن هاست. استفاده از آینه در زیارتگاه ها باعث جمالی تر شدن آن ها می شود. (آرشیو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)

شکوه معماری مزارهای جمالی، به تزئین و آرایش آن ها و نوع مصالحی که در این زمینه به کار گرفته می شود، بستگی دارد. هرچه جمال مزار بیشتر باشد، تزئینات وسیع تر و ظریف تر می شود و مصالح به کار رفته در آن آرایه ها نیز از تنوع بیشتری برخوردار می گردد. نقش های بدیع هندسی اجرا شده توسط مصالح فاخر، گچ بری و استفاده از شیشه و آینه در درون گچ بری ها، ساخت مقرنس ها و استفاده از گچ و کاشی در ایجاد آن ها، دنیایی پر نقش و نگار و شگفت انگیز را در تزئینات مزارهای جمالی به وجود آورده است. استفاده از مصالحی چون نقره و طلا در ضربیخ ها و صندوق های روی مقبره، دیوارهای اطراف یا زیر گنبد، در رواق ها، درهای ورودی و در گنبدها به اوج خود رسیده و این ویژگی، سلطه تجملی و مخاطب دوست را در این مزارها تقویت می کند. لازم به ذکر است که با توجه به پیشرفت مصالح در هر دوره، نوع تزئینات نیز تغییر کرده است؛ برای مثال، در دوره صفوی که اوج قدرت و تمول پادشاهان بود، استفاده از طلا و آینه در زیارتگاه ها و مزارها به اوج خود رسیده است^{۱۳} و در ساخت مزارها و در تزئین فضاهای مصنوع آن، از مجردترین عناصر مادی که می توانند عالی ترین مضامین روحی و معنوی را به بیننده القا کنند، کمال بهره برداری شده است. در مزارهای جلالی بر خلاف مزارهای جمالی، از به کارگیری مصالح فاخر چون طلا و نقره و نیز آینه کاری پرهیز شده است، زیرا بیم آن می رود که استفاده از این مصالح، موجب اغوای زائر شود و او را از اصل و حقیقت دور نگه دارد. این مزارها با تزئینات کم و بافت های مات و زبر، فضاهایی را می آفرینند که معانی و مفاهیم را نه به صورت آرایه، که به صورت آنچه «نیست» و «حضور ندارد»، به مخاطب القا می کند.

در این مزارها آرایه ها بیشتر به سمت آرایه های پرصلابت پیش می رود و تنوع و ریزه کاری هایی که در مزارهای جمالی وجود دارد، کمتر به چشم می خورد. سادگی و حداقل گرایی در مزارهای جلالی، بر نوع مصالح به کار رفته در بناها تأثیر دارد و عظمت و هیبت توسط عناصر و تزئیناتی القا می شود که موجب جلب نظر زائر نمی گردد. در



تصویر (۱۳): عاری بودن مزار شیخ جام از هرگونه تزئینات. در مزارهای جلالی از مصالح فاخر و کمیاب در تزئینات استفاده نمی شود و نهایت سادگی در آن ها رعایت می گردد. (آرشیو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)

این مزارها از هر چیز که مخاطب را به لحظه ای غفلت از اصل و حق و معبود باز دارد، پرهیز شده و مصالح فاخر از آنجا که عناصری مادی و دنیوی اند، مطرود شناخته شده اند.

به نظر می رسد سیر تدریجی افزایش تجمل گرایی و تزئینات در مزارها که به تدریج در دوره های آذری و اصفهانی به اوج خود رسید، ریشه در عوامل گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و معرفتی دارد. با این حال، نمی توان اهمیت فوق العاده مبانی معرفتی و نقش اجتناب ناپذیر آن در تحولات به وجود آمده در مزارها را نادیده گرفت.^{۱۴}



تصویر (۱۴): تزئینات خارجی و داخلی مزار چلبی اوغلو در سلطانیه زنجان. تزئینات در مزارهای جمالی - جلالی در میانه قرار می‌گیرد. در این مزار با استفاده از آجرکاری‌های متنوع در دیواره‌های خارجی به تزئین پرداخته‌اند، اما این تزئینات با احتیاط همراه است و جمال تزئینات و جلال صلابت در تزئینات، توأماً در آن دیده می‌شود. (آرشیو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)

مزارهای جمالی - جلالی جزو معدود مزارهایی هستند که علاوه بر داشتن ویژگی مزارهای جلالی، از ویژگی تزئینی مزارهای جمالی نیز برخوردارند. هنر و تزئیناتی که در بنای این مزارها به کار رفته، در میانه قرار می‌گیرد به این معنی که در این مزارها، استفاده از مصالح فاخر کم می‌شود و مصالح به کار رفته، نه به ظرافت و ارزش مزارهای جمالی است، نه مانند مزارهای جلالی کلی، عاری از تزئین و بی‌ارزش است. در تزئینات این مزارها صلابت بیش از هر عامل دیگری دیده می‌شود و در آن‌ها اغلب از سفال و آجرکاری استفاده می‌گردد و مقرنس‌کاری‌های گچی نیز گاه مشهود است.

در نهایت، باید توجه کرد که در تزئینات مزارهای

جمالی - جلالی، میانه‌روی و پرهیز از افراط به خوبی رعایت شده است و به عبارتی، به کارگیری مصالح در آن‌ها تا حدی است که بتوان با حداقل مصالح و تزئینات، فضاهای عبادی درخور و شایسته پدید آورد. در جدول شماره (۵) به مقایسه تزئینات به کار رفته در گونه‌های مختلف مزار پرداخته شده و می‌توان نوع تزئینات و ویژگی هر یک از آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کرد.

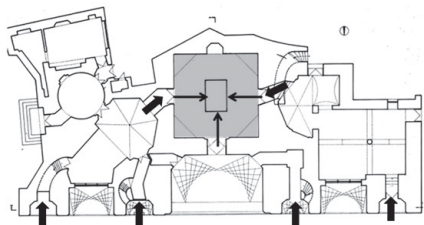
جدول (۵): مقایسه تزئینات به کار رفته در مزارها

نوع مزار	نوع تزئینات	ویژگی
جمالی	گچبری، طلاکاری، آینه کاری، نقاشی، کاشی کاری هفت رنگ	ظرافت در تزئینات
جلالی	آجرکاری ساده، کاشی کاری کلی	تزئینات کلی و کلان
جمالی - جلالی	آجرکاری پرکار، کاشی کاری، گچبری	تزئینات در میانه

۴ - ۳. نقش سلسله‌مراتب^{۱۵} فضایی و تنوع فضاها در نحوه رسیدن به مقبره

در معماری مزارها، گاه اجزا و عناصر فضایی بر اساس اصول معینی با هم ترکیب می‌شوند. سلسله‌مراتب یکی از این اصول است که وجود یا عدم وجود آن، بر کیفیت انتقال مفاهیم قدسی تأثیر به‌سزایی دارد. «اصل سلسله‌مراتب یعنی سامان‌دهی و ترکیب فضاها و عناصر بر اساس برخی از خصوصیات کالبدی یا کارکردی آن‌ها که موجب پدید آمدن سلسله‌مراتبی در نحوه قرارگیری یا استفاده یا مشاهده عناصر می‌گردد». (سلطان‌زاده ۱۳۷۲، ۱۶۰) این سلسله‌مراتب، یکی از اصول حاکم بر مجموعه‌ها و اجزای پدیده‌هایی است که توسط انسان، طراحی و ایجاد می‌شود و با توجه به اینکه اصولاً هستی موجودات در کائنات، تابع سلسله‌مراتبی تعریف شده است، اصل سلسله‌مراتب، نقش بسیار مهمی در تعریف اجزا و کل یک مجموعه ایفا می‌کند و به آن‌ها نوعی هویت می‌بخشد.

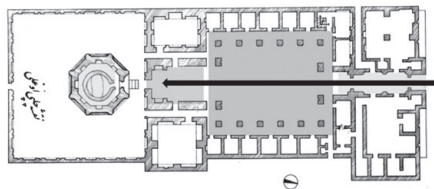
اصل سلسله‌مراتب در معماری، به معنای رده‌بندی و اولویت‌بندی فضاها تا رسیدن به فضای اصلی است. وجود سلسله‌مراتب فضایی در مزارهای جمالی، یعنی وجود فضاهایی که در امتداد و ادامه هم قرار گرفته‌اند و هر فضا، از نظر کالبدی و احساسی، فرد را به هدف مورد نظر که زیارت انسان کامل است، نزدیک‌تر می‌سازد. سلسله‌مراتب در این مزارها، یعنی کشف تناوب مرحله به مرحله و فرآیند تجربه تغییرات فضایی تا رسیدن به هدف و در محدوده مشخص مقبره قرار گرفتن. این فضاهای پویا، یکنواختی و فقدان محرک‌های حسی را مردود می‌شمارد و بر تحریک احساسات زائر در طول حرکت تأکید می‌کند. همچنین وجود سلسله‌مراتب و عبور از فضاهای متنوع، محل قرارگیری مقبره را بسیار مهم و بااهمیت جلوه می‌دهد. پویایی شکل فضای مقبره در مزارهای جمالی، مرهون جایگزینی آن در سلسله‌مراتبی از فضاهای مختلف و فضاهای سرپوشیده



تصویر (۱۵): سلسله‌مراتب فضایی در پلان امامزاده زید، تهران. در مزارهای جمالی، وجود سلسله‌مراتب فضایی و در نتیجه تنوع فضاها در رسیدن به مقبره، باعث افزایش شوق دیدار در زائر می‌شود. در این مزار، زائر پس از عبور از فضاها متنوع به مقبره می‌رسد. عبور از آن فضاها باعث ایجاد آمادگی ذهنی در وی می‌گردد و به او القا می‌کند که به دیدار شخص مهمی می‌رود. (آرشیو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)

فضاهای موجود در مسیر حرکت، هدایت فرد را به مرکز اصلی - محل قرارگیری مقبره - بر عهده دارند. گاه تعدد ورودی‌هایی که به این فضا می‌رسد و اتصال آن‌ها به فضاهای جانبی اطراف، عرصه‌ای جهت تداوم و تنوع حرکت‌های عبوری افراد را پدید می‌آورد. صحن مزار جمالی به عنوان فضایی محصور، تعریف‌شده و قابل ادراک، با شکل منظم هندسی خود بر تباین میان فضایی کاملاً سامان‌یافته با فضای اطراف، به منظور دستیابی به تعادل فضایی تأکید دارد. این فضا نیز، خود به عنوان نیروی سازمان‌دهنده در شبکه ارتباطی مزار عمل می‌کند و ضمن هدایت حرکت زائران، آن‌ها را در فضایی مقدس قرار می‌دهد. در راستای وجود این سلسله‌مراتب است که نیازهایی چون نیاز به خلوت، امنیت و ملاقات با محبوب در سازمان‌دهی فضایی کالبدی مزار جمالی، تأمین می‌شود و باعث ایجاد فضاهایی خوانا، قابل تصور و به یاد ماندنی می‌گردد که به راحتی به تجربه و ادراک درمی‌آید و دلبستگی و تعلق خاطر به وجود می‌آورد. در مقابل در مزارهای جلالی، سلسله‌مراتب از سامان‌دهی فضایی کالبدی مزار و رسیدن به مقبره حذف شده است. قرارگیری مقبره در صحن و مشاهده‌پذیر بودن و در دسترس بودن آن، نشان از سادگی و خلوص در ارتباط با انسان کامل و زیارت دارد و عبور از مزار و رسیدن به حقیقت معبود را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد. در این مزارها، عدم وجود سلسله‌مراتب در رسیدن به مقبره، موجب کاهش زمینه‌سازی و آمادگی ذهنی در زائر می‌گردد.

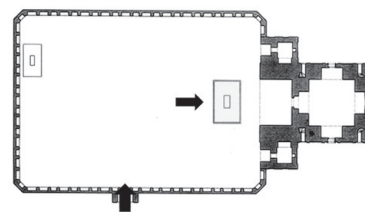
در واقع، آگاهی از حضور در یک مکان و تشخیص نشانه‌های آن از طریق تباین فضایی ایجاد شده، شرط لازم برای ایجاد حس مکان است، اما در مزارهای جلالی، مقبره از جایگاهی مشخص برخوردار نیست و در حرکت به سمت مقبره، نشانه‌های نزدیک شدن و به دنبال آن رسیدن به مکان مقبره وجود ندارد. مجموع این ویژگی‌ها در مزارهای جلالی، حس عدم فراخوانده شدن و عدم پذیرا بودن در مزار را به وجود می‌آورد و او را به عبور از آن، تشویق می‌کند. در مزارهای جمالی - جلالی، با وجود سلسله‌مراتب در رسیدن به مزار، تنوع چندان در فضاهای موجود در مسیر حرکتی به چشم نمی‌خورد. سلسله‌مراتب موجود، زائر را از نزدیک شدن تدریجی به مکان مقبره آگاه می‌سازد، اما مکان مقبره از لحظه ورود به مزار مشخص است و سلسله‌مراتب موجود در صحن، وظیفه هدایت حرکتی و هدایت ذهنی و روحی فرد را به طور هم‌زمان عهده‌دار می‌شود.



تصویر (۱۷): سلسله‌مراتب فضایی در مزار چلی اوغلو. در این مزار، زائر برای رسیدن به مقبره از صحن عبور می‌کند. صحن به ترتیبی سازمان‌دهی شده تا فضاهای متنوعی را در مسیر حرکت ایجاد کند. برخلاف مزارهای جلالی که مسیری جهت هدایت به مقبره در نظر گرفته نشده و زیارت انسان کامل در آن‌ها مبدأ همه فعالیت‌ها نیست. (آرشیو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)

خطی و گرد هم آورنده، با مقیاس‌های کوچک و بزرگ و با عملکردهای متنوع است.

پیوستگی فضای مقبره با این فضاها، حس تداوم و تحرک فضایی را در فرد زائر به وجود می‌آورد و مکملی است برای ایجاد پویایی فضایی آن‌ها. عبور از این فضاها در مزارهای جمالی، شوق رسیدن و آسودن در کنار مقبره را فزونی می‌بخشد. گویی تمام شوق و اشتیاق جهت دیدار انسان کامل، در عبور از آن‌ها و آرامیدن در کنار مقبره پایان می‌پذیرد و حس جمال را در مزارها تقویت می‌کند. این سلسله‌مراتب در مزارهایی که در دسته‌بندی، ویژگی جمالی بیش‌تری دارند، از تنوع فضایی بسیاری برخوردار است و



تصویر (۱۶): پلان مزار ابوبکر تابیدی. دوره تیموری. همان‌طور که در تصویر مشخص است، رسیدن به مقبره به صورت مستقیم و بدون عبور از فضای خاصی صورت می‌گیرد. در این مزار جلالی، حس عدم پذیرا بودن در مزار به زائر القا می‌شود و او را به عبور تشویق می‌کند. (آرشیو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰)

مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲ - پاییز و زمستان ۹۱

۱۲۴

به عبارتی در مزارهای جمالی - جلالی، حس ناشی از جدایی تدریجی از محیط بیرون و پیوستن به فضای درون - که در مزارهای جمالی مشاهده می‌گردد - دیده نمی‌شود و این جدایی نه به صورت آهسته و ناخودآگاه بلکه به صورتی کاملاً خودآگاه به وجود می‌آید و حس حضور در فضای معنوی را برمی‌انگیزد. هدایت به سمت مقبره توسط سازمان‌دهی فضاهای موجود در صحن، از ویژگی‌های این نوع مزارهاست.

نتیجه گیری

در معماری مزارها، با تکیه بر چهار رکن تشبیه، تنزیه، جمال و جلال و بررسی تجلی نسبی این مفاهیم در عناصر کالبدی و غیر کالبدی مزار، مکان‌هایی تدبیر شده به وجود می‌آیند که با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. بروز این تفاوت‌ها، منجر به شکل‌گیری گونه‌هایی در مزارها می‌گردد که هر کدام، معیاری را مبنی بر تشبیه، تنزیه، جمال و جلال به خود اختصاص داده‌اند. مزارهایی که از ویژگی‌های جمالی و تشبیهی توأماً پیروی می‌کنند، در گروه مزارهای تشبیهی - جمالی، مزارهایی که از ویژگی‌های جلالی و تنزیهی پیروی می‌کنند در گروه مزارهای تنزیهی - جلالی و مزارهایی که از هر چهار ویژگی برخوردارند، در گروه مزارهای تشبیهی - جمالی و تنزیهی - جلالی جای می‌گیرند.

در بررسی نمونه‌های موردی، از نمونه‌هایی استفاده شده است که مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و معیارهای ذکر شده در فصل گذشته را در خود جای داده و به عنوان کامل‌ترین نمونه در گونه‌های مشخص شده، شناخته شده‌اند. در بررسی مزارهای تشبیهی - جمالی، مزار حضرت رضا(ع) در مشهد، مزار شاه نعمت‌الله ولی در کرمان و مزار شیخ عبدالصمد در نطنز، در بررسی مزارهای تنزیهی - جلالی، مزار ابوبکر تایبادی در تایباد و مزار شیخ احمد جام و در بررسی مزارهای تشبیهی - جمالی و تنزیهی - جلالی، مزار چلبی اوغلو به عنوان بهترین نمونه این گونه‌ها در نظر گرفته شده‌اند. در بررسی موضوع گونه‌شناسی مزارها، با توجه به جمع‌بندی مطالب نظری ارائه شده به موارد زیر توجه شده است:

۱. رابطه با طبیعت تشبیهی ۲. به کار بردن نشانه، نماد و آیه در مزار ۳. اصالت فضای مقبره در سامان‌دهی فضایی مجموعه مزار ۴. اهمیت فضای درون ۵. به کارگیری مصالح فاخر و پرتزئین ۶. وجود سلسله‌مراتب فضایی در رسیدن به مزار. در مزارهای تشبیهی - جمالی، به علت ویژگی‌های کالبدی، بصری و تأثیر فضایی، حس آشنایی، تعلق و دلبستگی انسان به فضای مزار، بیش از سایر مزارها وجود دارد. در واقع، ویژگی‌های کالبدی - معنایی مزار تشبیهی - جمالی، به نحوی است که قادر است زائر را به حضور در آن مکان متقاعد کند و سپس در مرتبه‌ای فراتر، حسی از تعلق به فضای مزار را در او به وجود آورد. این احساس در مزارهای تنزیهی - جلالی که اغلب شامل مزارهای اهل سنت‌اند، احساسی از هیبت و ترس را در کنار تعلق خاطر به وجود می‌آورد و رشته‌های صمیمیت و وابستگی به مزار را می‌گسلد و توجه به حق و معبود را مقدم بر هر چیز دیگر می‌داند و از توجه او به انسان کامل و اصل قرار دادن وی می‌کاهد. با نیل به چنین درجه‌ای از حس مکان، این مزار مرهون به کارگیری اصول و قواعدی است که از بیشترین میزان تنزیه برخوردار است؛ در نتیجه، از عواملی که موجب گیرایی و کشش بسیار زائر می‌گردد، پرهیز شده است. در مزارهای تشبیهی - جمالی و تنزیهی - جلالی، ویژگی‌های هر دو مزار دیده می‌شود. این مزارها که تعداد آن‌ها زیاد نیست، حسی از شکوه و جلال را به زائر القا می‌کنند، همچنین وی را به ماندن در مزار تشویق می‌نمایند. ویژگی هر یک از گونه‌های تعریف شده را می‌توان به طور خلاصه در جدول زیر مشاهده کرد:

جدول (۶): مقایسه تطبیقی سه گونه مزار بر اساس شش معیار بررسی شده

معیارهای بررسی شده	خصوصیت مزارهای تشبیهی - جمالی	خصوصیت مزارهای تنزیهی - جلالی	خصوصیت مزارهای جمالی - جلالی و تشبیهی - تنزیهی
۱. رابطه با طبیعت	حداکثر رابطه با طبیعت تشبیهی به‌ویژه درخت، طبیعت نقش مؤثری در سازمان‌دهی فضاهای مزار دارد.	حداقل رابطه با طبیعت تشبیهی به‌ویژه درخت، طبیعت نقش مؤثری در سازمان‌دهی فضاهای مزار ندارد.	کمترین میزان رابطه با طبیعت تشبیهی، نقش طبیعت را تا حدودی می‌توان در سازمان‌دهی فضاها مشاهده کرد.
۲. به کارگیری نشانه، نماد، آیه	استفاده از نماد و نشانه، اشاره صورت به صورت و اشاره صورت به مفهوم	به کارگیری آیه، حجاب‌زدایی از صورت برای رسیدن به بی‌صورتی	استفاده حداقل از نشانه و نماد
۳. اصالت مقبره در سامان‌دهی فضاهای مجموعه	اصالت مقبره در سامان‌دهی فضا، تأکید بر مرکزیت فضایی - کالبدی، گرایش به الگوی سامان‌دهی مرکزی، اصالت مقبره و در نتیجه اصالت انسان کامل، رسیدن مسیر عبوری به مقبره در مرکز و توقف عبور	عدم اصالت مقبره در سامان‌دهی فضاها، مقبره مقدمه‌ای برای ورود به فضاهای دیگر، تأکید بر عبور از مقبره، قرارگیری مقبره در کناره یا روی مسیر عبوری	اصالت محور قبله و عبادت در کنار اصالت انسان کامل، قرارگیری مقبره در انتهای محور اصلی و هدف رسیدن به مقبره، اصالت مقبره در راستای اصالت پروردگار، رسیدن مسیر عبوری به مقبره در انتها

۴. نقش فضای درون	قرارگیری مقبره در فضای داخلی، هم‌نشینی با مخاطب، مهربانی و شادی‌انگیزی	قرارگیری مقبره در فضای باز بیرونی (صحن)، توصیه به عبادت در پیرامون، قبر حظیره‌ای بدون ساختمان و در فضای باز، مهیب و ترس‌آور	قرارگیری مقبره در فضای داخلی با حداقل مساحت و ابعاد، صمیمیت در عین هیبت
۵. سلسله‌مراتب فضایی	وجود سلسله‌مراتب فضایی با بیشترین تنوع فضایی، مهیا کردن فضاهای متنوع جهت آمادگی ذهنی و روحی زائر، دربرگرفتن زائر توسط فضاهای متنوع و عطفوت و مهربانی با وی، نزدیک شدن مرحله به مرحله به محبوب و انسان کامل، توجه و در اصل قرار دادن انسان کامل، القای حس ملاقات با شخصی مهم	عدم وجود سلسله‌مراتب و تنوع فضایی، فضای جهت آرامش روحی و روانی زائر مهیا نشده، عدم عطفوت و مهربانی و القای حس جلال و هیبت، عدم توجه چندان به انسان کامل و در اصل قرار دادن خدا و عبور از انسان کامل، قرار گرفتن مقبره در صحن و القای حس عبور از مزار	وجود سلسله‌مراتب با حداقل تنوع فضایی، القای سلسله‌مراتب توسط عبور از صحن و ورود به فضای مقبره، مشخص بودن مکان مقبره از لحظه ورود، عطفوت مهربانی در عین شکوه و هیبت، محدودیت در ایجاد حس صمیمیت و عدم ایجاد شوق در دیدار انسان کامل
۶. نوع و میزان مصالح به کار رفته	به‌کارگیری مصالح فاخر، سلطه تجملی و مخاطب دوست، شکوه جذاب، غنا، حداکثر تزئینات	عدم استفاده از مصالح فاخر و کمیاب، سادگی و حداقل گرای، فقر، حداقل تزئینات، سادگی بسیار در تزئینات	به کارگیری مصالح متعارف و نقوش هندسی نه چندان خاص بیشتر به صورت ظاهری، تزئینات ساده و نمادین
نمونه موردی	مزار حضرت رضا(ع) در مشهد، مزار شاه نعمت‌الله ولی در کرمان و مزار شیخ عبدالصمد در نطنز	مزار ابوبکر تابیدی در تایباد و مزار شیخ احمد جام در تربت جام	مزار چلبی اوغلو در سلطانیه زنجان

پی‌نوشت‌ها

۱. منظور از مزار در این پژوهش، محل دفن امامان و شخصیت‌های بزرگ علمی و عرفانی است که مراجعه به قبور آن‌ها و زیارتشان با هدف قرب الهی صورت می‌گیرد.
۲. لنگ در تعریف نظریهٔ هنجاری بیان می‌دارد: نظریهٔ هنجاری، نظریه‌ای مبتنی بر ادراک شخصی فرد از موضوعی خاص است. موضوع این نظریه، موضع‌گیری‌های ادعاشدهٔ نظریه‌پرداز است و این موضع‌گیری‌ها قابل مطالعه، توصیف و تبیین علمی‌اند.
۳. نصر در تعریف معماری قدسی می‌گوید: همان‌طور که معماری، هنری برای نظم بخشیدن به فضا است، معماری قدسی هم به مدد فنون مختلف، هدف اصلی خود را در قرار دادن انسان در محضر پروردگار از طریق تقدس بخشیدن به فضایی که می‌سازد و به آن نظم می‌دهد، تحقق می‌بخشد. معماری قدسی خلق، بستری است که در آن، وحدانیت اساس به وجود آمدن همه چیز است و آدمی وقار فطری و کمال باطنی‌اش را در آن باز می‌یابد.
۴. در زمینهٔ مزارات خراسان می‌توان به کتب ارزشمند دیگری اشاره کرد: کتاب *مفاخر اسلام* (۱۳۷۸) از مرحوم علی دوانی، *خلد برین* (۱۳۷۸) نوشتهٔ واله اصفهانی، *تاریخ حبیب السیر* (۱۳۸۱) اثر خواندمیر، و *تاریخ مزار شریف* (۱۳۶۹) از حافظ نور محمد.
۵. در بخش مزارات و زیارتگاه‌های ماوراءالنهر، می‌توان به کتب ارزشمند دیگری اشاره کرد: *مهمان‌نامه بخارا* (۱۹۶۲) از فضل‌الله روزبهان اصفهانی، *روضهٔ الصفا* (۱۹۸۴) از خاوند شاه‌بلخی، *تاریخ جهانگشای جوبینی* (۲۰۰۳) اثر محمد جوبینی، *آثار تاریخی وراورد و خوارزم* (۱۳۸۴) تألیف منوچهر ستوده، *تاریخ مغول* (۲۰۰۳) نوشتهٔ لوسین بوآت، *تاریخ ایران در دورهٔ نخستین اسلامی* (۲۰۰۱) از اشپولر، و سلسله مقالات آلبرت هورانی تحت عنوان *طریقهٔ نقش‌بندیه* (۱۹۸۴).
۶. دکتر حکمت‌الله ملاصالحی، استاد دانشگاه‌های تهران و آتن، نخستین پژوهشگری است که مباحث عمیق و دشوار دانش نوظهور «فلسفه باستان‌شناسی» را در ایران پی‌ریزی کرده است.
۷. جهت شرح بیشتر مبانی و معیارهای پژوهش، می‌توان به رساله دکتری «اصول مفهومی و کاربردی در طراحی بناهای مذهبی در نگرش شیعه» که توسط مهدی حمزه‌نژاد در سال ۱۳۹۰، به راهنمایی مهندس عبدالحمید نقره‌کار و دکتر غلامحسین معاریان، در دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، دفاع شده، مراجعه کرد.
۸. تشبیه به معنای نزدیک نمودن صفات پروردگار به صفات انسانی است و برای نشان دادن مفهوم جمال از آن استفاده می‌شود؛ به عبارت دیگر، تشبیه به صورت یک ابزار برای نشان دادن جمال حق به کار می‌رود. همچنین برای نشان دادن جلال خداوندی و هیبت و عظمت وی، نیاز به ابزاری چون تنزیه ضروری به نظر می‌رسد.

۹. در پژوهش حاضر، معیارهای دیگری چون مقیاس و تناسبات و... را نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد، اما به علت محدودیت در مطالب مقاله، سه معیاری که از بیشترین میزان تجلی در کالبد مزارها برخوردار بوده‌اند، در اولویت بررسی قرار گرفته‌اند.

۱۰. باید توجه شود که مزارهای تنزیهی معمولاً در مجاورت بناهای دیگر (خانقاه و...) قرار گرفته‌اند و در صورت وجود طبیعت سبز، این طبیعت در خدمت بناهای مجاور مقبره است. حرم امامان معصوم در مشهد و قم و... از نمونه مزارهای تشبیهی‌اند که امروزه ارتباط چندانی با طبیعت در آن‌ها دیده نمی‌شود. توسعه عظیم این مزارها در طول تاریخ، نیاز مزار به گسترش فضاهای سرپوشیده جهت پاسخ‌گویی به زائرین و گاه به کارگیری سیاست‌های اشتباه در این زمینه، باعث حذف باغ‌ها و طبیعت اطراف آن‌ها شده است. از آن جمله است حرم امام رضا(ع) که در ابتدا در باغ فردی به نام «حمید بن قحطبه» در اطراف نوغان مشهد، به دست مأمون بنا شد و توسعه آن به مرور زمان منجر به حذف فضاهای سبز از اطراف آن گشت؛ بنابراین، مراد از رابطه با طبیعت در اینجا سنت گذشته مزارسازی است که در اقدامات امروزی توجه کمتری به این سنت صورت می‌گیرد. نمونه‌هایی از باغ‌مزارها که تا به امروز، ارتباط خود با طبیعت را حفظ کرده‌اند، باغ‌مزار قدمگاه و باغ‌مزار حضرت معصومه(س) است.

۱۱. در اشاره صورت به صورت، صورت به مفهومی خاص اشاره ندارد و بیشتر نشان‌دهنده کالبد یا مکانی مشخص با هدف متمایز ساختن آن از کالبدها و مکان‌های دیگر است؛ برای مثال، گنبد نشان‌دهنده مسجد و پنجره فولاد، نشان‌دهنده مزار است.

۱۲. اغلب مزارهای تنزیهی، در ارتباط با بنایی رفیع و با عظمت که معمولاً خانقاه است، ساخته شده و باید توجه شود که این بناها و ویژگی آن‌ها نباید جزو ویژگی مزارها تلقی گردد.

۱۳. لازم به ذکر است که هنر آینه‌کاری مختص به ایران است و در دوران قاجار به اوج شکوفایی خود در بناهای مذهبی رسیده است.

۱۴. برخی نظریه پردازان غربی در مطالعه معماری اسلامی، تلاش دارند همه تحولات را با توجه به مبانی اقتصادی و سیاسی توجیه کنند. این پژوهش، اگرچه نقش این عوامل را مهم می‌داند، اما مبنایی‌ترین عامل را ارزش‌ها و مفاهیم معنوی می‌داند و به همین دلیل به گونه‌شناسی مفهومی مزارها می‌پردازد.

15 . hierarchy

منابع

- قرآن کریم. ۱۳۸۴. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. تهران: احیا کتاب.
- ابن عربی، محیی‌الدین. ۱۳۸۴. فتوحات مکیه. ترجمه محمد خواجوی. تهران: مولی.
- اردستانی رستمی، حمیدرضا. ۱۳۸۸. تشبیه و تنزیه از دیدگاه سنایی و ابن عربی. ادبیات تطبیقی (ش ۱۱): ص ۱۳-۲۷.
- اشعری، علی بن اسماعیل. ۱۳۸۱. الابانه عن اصول الدیانة. بیروت: دار والمکتبة الهلال.
- اینانو، شنم. ۱۳۸۰. طبیعت در معماری مسجد. مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مسجد - افق آینده (جلد اول). تهران: دانشگاه هنر. ص ۴۱-۴۸.
- بغدادی، طاهر بن محمد. ۱۹۹۷. الفرق بین الفرق. بیروت: الدارالشامیه.
- بورکهارت، تیتوس. ۱۳۶۵. هنر اسلامی زبان و بیان. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: سروش.
- تقوایی، ویدا. ۱۳۸۱. از جمال‌شناسی تا زیبایی‌شناسی. هنرهای زیبا (شماره ۱۱): ص ۴-۱۲.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۷۲. فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران. تهران: معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- جرجانی، سید شریف. ۱۳۷۷. معجم التعریفات. دارالفضیله: قاهره.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۸۶. هنر و زیبایی از دیدگاه اسلام. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- حمزه‌نژاد، مهدی. ۱۳۹۰. رساله دکتری اصول مفهومی و کاربردی در طراحی بناهای مذهبی در نگرش شیعه: دانشگاه علم و صنعت ایران. اساتید راهنما: مهندس عبدالحمید نقره‌کار، دکتر غلامحسین معاریان.
- رهنورد، زهرا. ۱۳۸۶. جلوه جمال و جلال در نگارگری و بازتاب آن در موجودات اهریمنی و مخوف، هنرهای زیبا (ش ۲۹): ص ۸۷-۹۵.
- ستاری، جلال. ۱۳۷۶. رمزاندیشی و هنر قدسی. تهران: نشر مرکز.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. ۱۳۸۱. الملل والنحل. بیروت: دار والمکتبة الهلال.

- علی‌آبادی، محمد. ۱۳۷۶. جلوه‌های جمال در مسجد. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده (جلد اول). اصفهان: دانشگاه هنر. ص ۳۰۷-۳۲۵.
- گوهرین، صادق. ۱۳۶۸. شرح اصطلاحات تصوف. تهران: زوار.
- لاهیجی، عبدالکریم. ۱۳۸۰. شرح گلشن راز. تهران: محمودی.
- ملاصالحی، حکمت‌الله. ۱۳۷۷. صور جلالی در معماری اسلامی ایران. فرهنگ و هنر. (۲۹): ص ۴-۳۱.
- _____. ۱۳۷۸. مقوله جمال و جلال در هنرهای تجسمی. مشرق. (۲ و ۳): ص ۶۶-۷۳.
- مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد. ۱۳۸۴. فیه مافیه. تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر. تهران: امیرکبیر.
- نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۱. معماری مسجد از مفهوم تا کالبد. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده (جلد دوم). اصفهان: دانشگاه هنر.
- نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی: معاونت شهرسازی: شرکت طرح و نشر پیام‌سیما.
- آرشو دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران. ۱۳۹۰. به کوشش دکتر علی‌محمد رنجبر کرمانی.
- Guenon, Rene. 2001. *Symbols Of Sacred Science*. Sophia Perenis Hillsdele Ny.
- Stiver, Danr. 1996. *The Philosophy of Religious Language: Sign, Symbols and Story*. Blackwell.
- <http://www.vefagh.co>